fpcej.ir

Family Pathology, Counseling & Enrichment

2020. Vol. 5, N. 2 (10), 141-160

نقش واسطه‌ای الگوهای تعاملی زوجین در رابطهٔ میان سبک‌های عشق‌ورزی و تعهد زناشویی

زهرا سلگی استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

روح اله رضایی **نویسنده مسئول:** کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور اسلام‌آباد غرب، کرمانشاه، ایران

reroholah@gmail.com

شهریار میرزایی استادیار گروه آمار، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

تعهد زناشویی زوجین در پایداری نظام و بنیان خانواده نقش بسیار اساسی دارد و از ارکان اصلی آن به شمار می‌آید، لذا بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار و تقویت‌کننده آن از اهمیت بالایی برخوردار است، طرح پژوهش حاضر توصیفی، از نوع همبستگی که با هدف بررسی نقش واسطه‌ی الگوهای تعاملی زوجین در ارتباط بین سبک‌های عشق‌ورزی و تعهد زناشویی صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش، زوجین شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۸ بود که تعداد ۱۹۰ زوج از آن‌ها که در ۵ منطقه شهری (۶،۵،۳،۱ و ۷) بودند به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه تعهد زناشویی (آدامز و جونز،۱۹۹۷)، مقیاس عشق (استرنبرگ، ۱۹۸۶) و پرسشنامه الگوهای تعاملی زوجین (کریستنسن و سالاوی، ۱۹۸٤) بود. داده‌ها به شیوه رگرسیون چندگانه و آزمون بارون و کنی (۱۹۸۶) مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که رابطه مثبت و معناداری ($r = 0/43$ و $p < 0/01$) بین سبک‌های عشق‌ورزی و تعهد زناشویی وجود دارد. علاوه بر این تنها بین خرده مقیاس الگوی سازنده متقابل از میان الگوهای تعاملی زوجین با تعهد زناشویی ($r = 0/19$ و $p< 0/01$) و سبک‌های عشق‌ورزی ($r = 0/12$ و $p < 0/01$) رابطه مثبت و معنادار بود. همچنین نقش واسطه‌ای الگوی تعاملی سازنده متقابل در رابطه بین سبک‌های عشق‌ورزی و تعهد زناشویی مورد تائید قرار گرفت. لذا با استفاده از یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های عشق‌ورزی با افزایش استفاده از الگوی تعاملی سازنده موجب تقویت و افزایش تعهد در روابط زناشویی می‌گردد که نتیجه آن برخورداری زوجین از خانواده‌ای پویا و پایدار است.

واژه‌های کلیدی: *تعهد زناشویی، سبک‌های عشق‌ورزی، الگوهای تعاملی زوجین*

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۵، شماره دوم (پیاپی ۱۰). پاییزو زمستان ۱۳۹۸

fpcej.ir
Family Pathology, Counseling & Enrichment
2020. Vol. 5, N. 2 (10), 141-160

The Mediating Role of Couples' Communication Patterns in the Relationship between Love Styles and Marital Commitment

Zahra Solgi — Assistant Professor, Department of psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Ruhollah Rezaei — **Corresponding Author:** M.Sc. in General Psychology, Payame Noor University, Islam Abad Gharb, Kermanshah, Iran.

Shahryar Mirzaei — Department of Statistics, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Abstract

The marital commitment of couples has a very essential role in the stability of the system and the foundation of the family and is one of its basic elements, so the study of its influential and reinforcing components has high importance, The research design was descriptive correlational to investigate the mediating role of couples' communication patterns in the relationship between love styles and marital commitment. The statistical population of the study included couples in Kermanshah in 1398 that 190 couples of them who were in 5 urban areas (1, 3, 5, 6 &7) were selected by multi-stage cluster sampling. Research tools used in this study included the Marital Commitment Questionnaire (Adams and Jones, 1997), the Triangular Love Scale (Sternberg, 1986), and the Couples Communication Patterns Questionnaire (Christensen and Salawi, 1984). Data were analyzed by multiple regression and Baron and Kenny test (1986). The results of data analysis showed that there is a positive and significant relationship($r=0.43$ & $p<0.01$) between lovemaking styles and marital commitment. Also, only a positive relationship between the subscales of the reciprocal constructive pattern among the couple's interactive patterns with marital commitment ($r= 0.19$ and $p<0.01$) and lovemaking styles ($r = 0.12$ and $p <0.01$). It was meaningful. The mediating role of the constructive interaction model in the relationship between lovemaking styles and marital commitment was also confirmed. Therefore, by using the findings of the present study, it can be concluded that love styles by increasing the use of constructive communication model reinforcement and increases commitment in marital relationships, which results having a dynamic and stable family.

Keywords: *marital commitment, love styles, couples' communication patterns*

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

Family Pathology, Counseling & Enrichment, 2020. Vol. 5, N. 2 (10)

مقدمه

خانواده یکی از پایه‌های مهم تشکل‌های اجتماعی و از ارکان اساسی هر جامعه به شمار می‌آید و به‌منزله مبدأ ظهور و بروز عواطف انسانی و کانون روابط صمیمانه میان فردی شناخته‌شده است. این نهاد اجتماعی با ازدواج شکل می‌گیرد. ازدواج سالم تأثیری مثبت بر حفظ سلامتی ذهن و جسم زوج‌ها دارد (داودوندی، نوابی نژاد و فرزاد،۱۳۹۷). لیکن درحالی‌که تعداد بسیاری از افراد ازدواج می‌کنند و در حفظ ازدواج خود و روابط متعهدانه خود کوشا هستند، اما افزایش میزان طلاق، کاهـــــش نرخ ازدواج، گسترش تعداد خانواده‌های تک والد (محزونی،۱۳۹۵)، افزایش تعداد فرزندان بدون سرپرست و رهاشده، شیوع روابط فرا زناشویی مردان و زنان متأهل (معیدفر،۱۳۹۴؛ منصوری،۱۳۹۲ و عشقی، ۱۳۹۵)، شیوع خشونت‌های خانوادگی (کلهر،۱۳۹۵)، افزایش تعداد زنان خودسرپرست با تمایل به داشتن فرزند بدون ازدواج و پریشانی زناشویی (صفی پوریان و دیگران،۱۳۹۵) همگی نشان‌گر کاهش تعهد در روابط زناشویی می‌باشند که اهمیت توجه بیشتر به این حوزه از مسائل خانواده را متذکر می‌شود. تعهد زناشویی نیرومندترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی کننده کیفیت و پایداری زندگی زناشویی است (جان، سمی و رورو[1]،۲۰۱۶). تعهد زناشویی به این معنی است که زوجین تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائل‌اند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند (محمدی و همکاران،۱۳۹۳). درواقع به سطح اعتماد افراد نسبت به شریک و رابطه‌شان مربوط است (گرین،۲۰۱۷). آدامز و جونز به نقل از گنزالز و هرناندز (۲۰۰۹) تعهد زناشویی را به سه نوع متمایز تقسیم‌بندی کرده‌اند که شامل: الف) تعهد نسبت به همسر (تعهد شخصی[2])، به معنای تمایل فرد برای باقی ماندن در رابطه و تداوم رابطه زناشویی است. ب) تعهد اخلاقی[3] (تعهد به ازدواج)، عملی که فرد اخلاقاً متعهد می‌شود به رابطه ادامه دهد و شامل اعتقاد به این ارزش‌هاست؛ عمل به قول خود، پاسداشت ازدواج به‌عنوان یک‌نهاد اجتماعی و اخلاقی و حفظ ازدواج به‌عنوان یک مسئولیت مقدس. ج) تعهد اجباری[4]، به معنای ادامه دادن اجباری به ازدواج و شامل عوامل بیرونی خواه واقعی و خیالی است که علیرغم گرایش فرد به ترک رابطه می‌تواند مانع از آن گردد. مثل عدم تائید خانواده و دوستان، وابستگی به فرزندان، نیافتن یک شریک مناسب و عوامل درونی مثل وابستگی عاطفی و فقدان اعتمادبه‌نفس.

1 - John, Seme& Roro
2 -Personal commitment
3 -Ethical commitment
4 -Compulsory commitment

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۵، شماره دوم (پیاپی ۱۰)، پاییزو زمستان ۱۳۹۸

در میان عوامل زوجی، تعارض میان زوجین[1]، رضایت زناشویی و عشق، از منابع مهم تأثیرگذار بر تعهد در روابط زناشویی هستند (اتو و ساگارا،۲۰۱۶). لذا عدم عشق و محبت کافی ممکن است به‌صورت مشکلات روان‌شناختی، اختلالات اضطرابی و مشکلات فیزیولوژیکی نمایان شود و یا اینکه زمینه را برای گرایش به انحرافات اجتماعی از قبیل روابط فرا زناشویی[2]، عدم تعهد، بی‌بندوباری جنسی، کاهش رضایت جنسی، اضطراب، افسردگی، شکاکیت و اعتیاد فراهم سازد (کریمیان،۱۳۹۰). عشق و سبک‌های ابراز آن بیش از هر موضوع دیگری در ادبیات جهان، در طول تاریخ مطرح‌شده است. این در نهاد آدمی است که دوست بدارد و دوست داشته شود، عاشق شود و عاشقی داشته باشد (فیشر، آرون و براون[3]،۲۰۱۶). سبک‌های عشق‌ورزی اشاره به این امر دارند که چگونه افراد عشق را تعریف می‌کنند (صادقی، احمدی و بهرامی، ۱۳۹۲)؛ و بر شناخت‌ها و رفتارهایی که انعکاس‌دهنده رضایت و تعهد در روابط است، تأثیر بسزایی دارند و می‌توانند در پیش‌بینی وقوع خیانت زناشویی[4] نقش داشته باشند (یوسفی،۱۳۹۰). ازنظریات مهم در خصوص سبک‌های عشق‌ورزی، نظریه مثلثی عشق استرنبرگ (۱۹۸۶) است. وی یک نظریه سه وجهی را ارائه داده که شامل ۱) صمیمانه :این جز مشتمل بر خود افشایی، شراکت، درک متقابل و حمایت هیجانی است که گرمی و اعتماد را در یک رابطه مهم ایجاد می‌کند، ۲) شور آمیز: این جز مشتمل بر کشش بدنی، تمایل جنسی و برانگیختگی فیزیولوژیانی است، ۳) تصمیم و تعهد: این جز مشتمل بر تصمیم کوتاه‌مدتی است که یک نفر عاشق فردی شده است و تعهد بلندمدتی برای حفظ این عشق و عاشق ماندن آن فرد دارد (محمودی، گلشنی و نوروزیان،۱۳۹۲). پژوهش‌های فروانی تعهد بالا را با ابراز عشق بالا (تیلگمن[5]،۲۰۰۸)؛ و خیانت کمتر (مؤمنی وهمکاران،۱۳۹۴) گزارش کرده‌اند. نتایج پژوهشی تحت عنوان الگوی رابطه‌ی صمیمانه‌ی همسران توسط محمدی (۱۳۹۲) نشان داد رابطه‌ای که در آن عشق و علاقه، قدرت در خدمت رابطه و نه فرد، احترام و توجه، مشارکت و تشریک‌مساعی و مصاحبت و همفکری باشد چنین رابطه‌ای معمولاً با احساس تعهد، اعتماد همسران نسبت به یکدیگر و رضایت از زندگی زناشویی است. در جایی دیگر یافته‌های پژوهش مؤمنی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که تعهد زناشویی بالا با ابراز عشق بالا، تعارض زناشویی پایین و خیانت کمتر ارتباط دارد. سلوشی و

1 -Couples Conflict
2 -Mutual Relationships
3 - Fisher, Aron, & Brown
4 -Infidelity
5 - Tilgman

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

بریل[1] (۲۰۱۶) نیز در تحقیقات خود نشان دادند که ابراز عشق و محبت بیشتر زوجین به یکدیگر باعث افزایش تعهد در روابط زناشویی زوجین می‌گردد.

از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پایداری زناشویی میزان کیفیت روابط یا تعاملات زناشویی زوجین در زندگی‌شان است (روز آندرسون، میلر و همکاران،۲۰۱۹)؛ که نقش مهمی در ایجاد استحکام زندگی زناشویی دارد و می‌تواند زوجین را از مشکلات زناشویی در امان نگه دارد (هاسون، اوهایون، بن و همکاران، ۲۰۱۹). در جوامع مختلف و نیز در جامعه خود شاهد بسیاری از ناسازگاری‌های خانوادگی و ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها هستیم، مهم‌ترین عوامل ایجادکننده این ناسازگاری‌ها عدم شناخت و درک صحیح زن و مرد از یکدیگر و درنتیجه داشتن انتظارات و توقعات مبهم و غیرواقع‌بینانه از یکدیگر است (ایزورا و کوپه[2]،۲۰۱۹)، یکی از عوامل مؤثر بر بروز تعارض و ناسازگاری‌ها در زندگی زوجین، مشکلات ارتباطی و الگوهای تعاملی ناکارآمد بین زوجین است (هالی، کلودیا و ایرنی[3]،۲۰۱۸). الگوهای تعاملی به آن دسته از کانال‌های ارتباطی که به‌وفور در یک خانواده اتفاق می‌افتد گفته می‌شود (رفیعی، جباری و جزایری،۱۳۹۳). در این راستا، کریستنسن و سالاوی (۱۹۸۴) سه الگوی تعاملی را مطرح کردند. الگوی سازنده متقابل: شامل بحث و گفتگوی متقابل، تلاش برای درک دیگری و مذاکره برای رسیدن به راه‌حل است؛ اجتناب متقابل: شامل رفتارهای اجتنابی در زمان تعارض و فاصله گرفتن بعد از بحث‌های تنش‌زا است (چیفنگ، اپستین ولام[4]،۲۰۱۳) و درخواست/کناره‌گیری: الگویی است که در آن یکی از زوج‌ها به دنبال تغییر، مذاکره و حل مسئله است و دیگری به دنبال اجتناب از مذاکره در مسئله است (پاپ، کرس وکامینگ[5]،۲۰۱۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهد زوجینی که از الگوهای ارتباط سالم و سازنده (سازنده متقابل) برخوردارند، زندگی شادتر و باثباتی را تجربه می‌کنند؛ برعکس الگوهای ارتباطی معیوب (توقع/کناره‌گیری و اجتناب متقابل)، درک صحیح زوجین را از یکدیگر کاهش داده، باعث می‌شود همسران نتوانند از یکدیگر حمایت کنند، برای ارضای نیاز یکدیگر تلاش کنند و در مورد مسائل تعارض برانگیز، دیدگاه یکدیگر را درک کنند (گاتمن، ۲۰۰۰). درواقع محققان و زوجین هر دو معتقدند که وجود نقض در برقراری ارتباط، به آشفتگی رابطه منجر می‌شود (هالفورد[6] و همکاران، ۲۰۱۲)، به‌نحوی‌که زوجین هنگام بحث و گفتگو در مورد مشکلات، غالباً عجله و انتقاد می‌کنند و می‌خواهند یکدیگر را تغییر دهند

1 - Selushi and Braille
2 - Izuhara & Köppe
3- Holley, Claudia & Irene
4 Chi Feng, Epstein and Lam
5 - Pope, Corus & Cummings
6 - Halford

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۵، شماره دوم (پیاپی ۱۰)، پاییزو زمستان ۱۳۹۸

(کریستنسن،۲۰۱۷ ؛ هیوی، کریستنسن و مالموس[1]،۱۹۹۵). کوراس (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان داد که یک ارتباط مثبت و سازنده بین زن و شوهر می‌تواند ضامن رضایت زناشویی، تعهد و پایبندی طرفین به نظام خانواده و درنهایت باعث تحکیم بنیان‌های خانواده شود. در جایی دیگر احمدی (۱۳۸۷) در پژوهشی بر روی زوج‌ها مشاهده کرد که آموزش مهارت‌های ارتباطی باعث افزایش عشق و صمیمیت در بین همسران می‌شود. عباسی و افشارنیا (۱۳۹۴) نیز در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که بیشترین همبستگی بین الگوی سازنده متقابل و رضایت زناشویی است و الگوی تعاملی درخواست/کناره-گیری ارتباط معناداری با رضایت زناشویی ندارد و همچنین همبستگی بین رضایت زناشویی و الگوی اجتناب متقابل منفی است؛ که نتیجه رضایت در رابطه تعهد زناشویی را به دنبال دارد. مشکلات ارتباطی و تعاملات نامناسب زوجین شایع‌ترین و مخرب‌ترین مشکلات در ازدواج‌های شکست‌خورده هستند (یالسین و همکاران، ۲۰۰۹)؛ بنابراین ارتباط و تعامل مثبت و سازنده بین زوجین می‌تواند محیطی گرم و عاشقانه ایجاد کند که ضامن رضایت زناشویی، تعهد و پایبندی طرفین به نظام خانواده و درنهایت باعث تحکیم بنیان خانواده شود (کورس، پاپ وموری،۲۰۱۴).

عدم تعهد به رابطه زناشویی عوارض و پیامدهای متعددی را به دنبال خواهد داشت که هم بر فرد، هم بر خانواده و هم بر جامعه به‌ویژه همسری که بی‌وفایی دیده است تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را دچار تغییرات فیزیولوژیک در سیستم اعصاب و فعالیت شناختی خود می‌کند (گیورتز، سگرین و اسزیدلو،۲۰۱۶). متأسفانه طبق گزارش خبرنگار کرد پرس، در سال‌های اخیر آمار طلاق در کشور به‌ویژه در برخی از استان‌ها همانند کرمانشاه روند صعودی نگران‌کننده‌ای به خود گرفته است که در سال ۹۸ حدود ۲۷ درصد طلاق رسمی ثبت‌شده است که اگر بخواهیم طلاق‌های رسمی با طلاق‌های عاطفی در این استان را با هم جمع ببندیم، عددی بسیار بالاتر و البته نگران‌کننده‌تر به دست می‌آید؛ بنابراین بررسی عواملی که زمینه‌ای را فراهم می‌کنند تا زوجین تعاملات بهتر و روابط عاشقانه‌تری داشته باشند می‌تواند منجر به تعهد و پایبندی هرچه بهتر زوجین به روابط زناشویی و کاهش جدایی‌هایی آشکار و عاطفی گردد. فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. الگوهای تعاملی در رابطه بین سبک‌های عشق‌ورزی و تعهد زناشویی، نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند.

۲. بین سبک‌های عشق‌ورزی و تعهد زناشویی ارتباط وجود دارد.

۳. بین الگوهای تعاملی و تعهد زناشویی رابطه وجود دارد.

۴. بین سبک‌های عشق‌ورزی با الگوهای تعاملی رابطه وجود دارد.

1 - Heavey, Christensen& Malamuth

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

Family Pathology, Counseling & Enrichment, 2020. Vol. 5, N. 2 (10)

روش

طرح کلی پژوهش، ازنظر هدف، جزء تحقیقات کاربردی و ازنظر جمع‌آوری داده‌ها توصیفی -همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل زوجین شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۸ بود، با توجه به اینکه در شهر کرمانشاه فهرست کامل افراد شهر در دسترس نبود جهت تعمیم نتایج به کل جامعه آماری از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. تعداد نمونه لازم با به‌کارگیری فرمول کوکران ۱۹۰ زوج برآورد شد که این تعداد از میان ۵ منطقه شهری (۷،۶،۵،۳،۱) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین خوشه‌ها انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها میان آن‌ها توزیع گردید. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط زوجین اطلاعات به‌دست‌آمده مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. ملاک‌های ورود به نمونه پژوهش شامل: ۱) نداشتن هیچ‌گونه سابقه بیماری روانی یا مصرف دارو در حین اجرای پژوهش، ۲) گذشتن حداقل یک سال از ازدواج زوجین، ۳) زوجین در هنگام اجرای پژوهش با هم زندگی کنند و اولین ازدواج آن‌ها باشد، ۴- رضایت کامل و اختیاری بودن همکاری زوجین بود.

ابزارها

پرسشنامه تعهد زناشویی[1] (DCI). پرسشنامه تعهد زناشویی میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه به‌وسیله آدامز و جونز[2] در سال ۱۹۹۷ تهیه‌شده است و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند؛ که شامل تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری است. پرسشنامه دارای ۴۴ پرسش است که تعهد به همسر (شخصی): سؤالات ۱ تا ۱۰، تعهد به ازدواج (اخلاقی): ۱۱ تا ۲۲ و احساس تعهد (ساختاری): ۲۳ تا ۴۴ می‌باشند. نکته قبل توجه اینکه سؤالات ۲-۴-۶-۷-۹-۱۰-۱۴-۱۵-۱۶-۱۹-۲۰-۲۲ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه کلی نمره افراد بین ۱ تا ۱۷۲ است که نمره بالاتر در این پرسشنامه، بالا بودن تعهد کلی زوجین را نشان می‌دهد. هر سؤال آزمون دارای یک مقیاس پنج‌درجه‌ای کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم است که به هر گزینه نمره ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد. آدامز و جونز (۱۹۹۷) پایایی هریک از مقیاس‌های این آزمون را به این شرح به دست آورند: تعهد شخصی ۹۱٪، تعهد اخلاقی ۸۹٪ و تعهد ساختاری ۸۶٪. در پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۳) نیز آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های تعهد شخصی ۶۶٪، تعهد اخلاقی ۷۶٪ و تعهد ساختاری ۷۸٪ به دست آمد.

1-Dimensions of commitment inventory
2- Adams& Jones

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

مقیاس عشق‌مثلثی[1] (STLS). این مقیاس توسط استرنبرگ[2] در سال ۱۹۸۶ تهیه‌شده است و دارای ۴۵ سؤال است که سه سبک عشق صمیمانه، شور آمیز و متعهدانه را می‌سنجد. ۱۵ عبارت اول سبک صمیمانه، ۱۵ عبارت میانی سبک شور آمیز و ۱۵ عبارت آخر سبک تعهد را می‌سنجند. در پاسخ به آن از یک مقیاس ۹ درجه‌ای استفاده‌شده است. پس از مشخص شدن اینکه فرد در هر خرده مقیاس نمره ضعیف یا قوی به دست آورده است. سبک عاشقانه او مشخص می‌شود. آلفای کرونباخ مقیاس ۹۰/. گزارش‌شده و برای محاسبه روایی آن از روش تحلیل همبستگی متقابل استفاده‌شده است. نتایج برای صمیمانه و تعهد ۷۳/؛ و برای تعهد و شور آمیز، ۷۱/. گزارش شد (پاتو[3]،۱۳۸۱). در نمونه ایرانی محمودی، گلشنی و نوروزیان (۱۳۹۲) آلفای کرونباخ برای صمیمانه ۹۳/. شور آمیز ۹۵/. تعهد ۹۶/؛ و کل پرسشنامه را ۹۵/. گزارش داده‌اند.

پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین[4] (CPQ). پرسشنامه الگوهای ارتباطی زوجین را کریستنسن و سالاوی[5] (۱۹۸۴) در دانشگاه کالیفرنیا به‌منظور بررسی الگوهای ارتباطی متقابل زوجین طراحی نمودند. این پرسشنامه ۳۵ سؤال دارد و در یک مقیاس نه درجه‌ای از اصلاً امکان ندارد (۱) تا خیلی امکان دارد (۹) درجه‌بندی‌شده است. این پرسشنامه رفتارهای همسران را در طول سه مرحله از تعارض زناشویی شرح داده است. این مراحل عبارت‌اند از: ۱- زمانی که در روابط زوجین مشکل ایجاد می‌شود این مرحله دارای ۴ سؤال است که پاسخ هریک در مقیاس ۹ نقطه‌ای درجه‌بندی‌شده است. ۲- در مدت‌زمانی که درباره مشکل ارتباطی بحث می‌شود، این مرحله دارای ۱۸ سؤال است. ۳- بعد از بحث راجع به مشکل ارتباطی که این قسمت از ۱۳ سؤال تشکیل‌شده است. پرسشنامه دارای سه خرده مقیاس است مقیاس ارتباط سازنده متقابل، مقیاس اجتنابی متقابل، مقیاس ارتباط توقع/ کناره‌گیری. خرده مقیاس توقع/ کناره‌گیری. از دو قسمت تشکیل‌شده است: مرد متوقع/ کناره‌گیر زن و زن متوقع / کناره‌گیر مرد. کریستنسن و سالاوی (۱۹۹۱) روایی سه خرده مقیاس این پرسشنامه را برآورد نمودند. در این مطالعه که در آن سه گروه از زوجین درمانده، غیر درمانده و در حال طلاق با هم مقایسه شدند؛ خرده مقیاس سازنده متقابل توانست بین هر سه گروه تمیز قائل شود، درحالی‌که خرده مقیاس‌های ارتباطی اجتناب متقابل و توقع/ کناره‌گیری توانستند بین زوج‌های درمانده و غیر درمانده تفکیک قائل شوند (رسولی،

1-Sternberg’s Triangular Love Scale
2- Sternberg
3- pato
4- Communication Patterns Questionnair
5- Christensen& Sullaway

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

۱۳۸۰). عبادت پور (۱۳۷۹) ضریب آلفای کرونباخ را برای الگوی ارتباط سازنده متقابل (پنج سؤالی) ۷۰٪، ارتباط اجتناب متقابل ٪۷۱، ارتباط توقع/ کناره‌گیر ۶۶٪، زن متوقع/ کناره‌گیر مرد ۵۱٪ و مرد متوقع/ زن کناره‌گیر ٪۵۲ برآورد نموده است.

شیوه اجرای پژوهش

پس از انتخاب گروه نمونه، شرکت‌کنندگان پرسشنامه‌های تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)، مقیاس عشق استرنبرگ (۱۹۸۶) و پرسشنامه الگوی ارتباطی زوجین کریستنسن و سالاوی (۱۹۸۴) را تکمیل نمودند. در پژوهش حاضر به‌منظور بررسی رابطه بین متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد، سپس با استفاده از آزمون بارون و کنی (۱۹۸۶) جهت تعیین نقش واسطه‌ای الگوهای تعاملی، متغیرها وارد رگرسیون چندگانه شدند که سبک‌های عشق‌ورزی به‌عنوان متغیر پیش‌بین، تعهد زناشویی به‌عنوان ملاک و متغیر الگوهای تعاملی به‌عنوان واسطه‌گر بودند و سپس داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss نسخه ۲۱ مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

یافته‌های حاصل از داده‌های جمعیت شناختی بیانگر آن بود که نمونه پژوهش دارای دامنه سنی ۱۷ تا ۴۸ سال که انحراف معیار و میانگین سنی آن‌ها ۷/۲۹ و ۳۰/۹۲ سال بود. در گروه مردان موردمطالعه بیشترین فراوانی تحصیلات مربوط به سطح لیسانس با فراوانی ۲۷/۷ درصد و کمترین مربوط به سطح دکترا ۱/۶ درصد است در گروه زنان بیشترین فراوانی مربوط به سطح فوق‌دیپلم با فراوانی ۲۲/۲ درصد و کمترین آن‌ها در سطح دکترا با ۰/۵ درصد است. حال ابتدا به بررسی یافته‌های توصیفی پژوهش پرداخته می‌شود.

جدول۱ . نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین نمره	بیشترین نمره
تعهد زناشویی	۱۴۶/۲۵	۱۷/۴۸	۱۰۵	۱۸۵
سبک‌های عشق ورزی	۳۴۶/۳۲	۳۲/۴۲	۱۷۳	۳۹۳
الگوی سازنده متقابل	۱۲/۳۴	۶/۲۰	۱	۲۵
الگوی توقع/ کناره گیری	۲۵/۴۲	۹/۰۷	۹	۵۰
الگوی اجتناب متقابل	۱۳/۲۴	۵/۳۶	۱	۲۷

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۵، شماره دوم (پیاپی ۱۰)، پاییزو زمستان ۱۳۹۸

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، به ترتیب میانگین و انحراف معیار متغیرهای تعهد زناشویی (۱۴۶/۲۵ و ۱۷/۴۸)، سبک‌های عشق‌ورزی (۳۴۶/۳۲ و ۳۲/۴۲) و خرده مقیاس‌های الگوهای تعاملی زوجین یعنی؛ سازنده متقابل (۱۲/۳۴ و ۶/۲۰)، توقع/کناره‌گیری (۲۵/۴۲ و ۹/۰۷) و اجتناب متقابل (۱۳/۲۴ و ۵/۳۶) است. به‌منظور استفاده از تحلیل‌های رگرسیون خطی چند متغیره باید چند فرض برقرار باشد که شامل نرمال بودن توزیع داده‌ها، عدم هم خطی بین متغیرها و استقلال مشاهدات پژوهش می‌باشند. جهت بررسی نرمال بودن متغیرها از شاخص‌های چولگی و برجستگی داده‌ها استفاده‌شده است که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. نتایج مقادیر چولگی و برجستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	برجستگی		چولگی	
	انحراف معیار آماره	آماره	انحراف معیار آماره	آماره
تعهد زناشویی	۰/۲۵	-۰/۱۳۰	۰/۱۲۵	-۰/۲۷۱
سبک‌های عشق ورزی	۰/۲۵	۰/۹۶۲	۰/۱۲۵	-۰/۸۴۳
الگوی سازنده متقابل	۰/۲۵	-۰/۹۰۸	۰/۱۲۵	۰/۰۶۹
الگوی توقع/ کناره گیری	۰/۲۵	۰/۰۰۷	۰/۱۲۵	۰/۵۴۰
الگوی اجتناب متقابل	۰/۲۵	-۰/۰۵۴	۰/۱۲۵	-۰/۱۳۸

در حالت کلی چنانچه چولگی و برجستگی داده‌ها بین ۲- و ۲+ باشند توزیع داده‌ها نرمال فرض می‌شود. با توجه به مقادیر آماره‌های چولگی و برجستگی در جدول ۲ می‌توان نتیجه گرفت داده‌های پژوهش از توزیع نرمال برخوردارند. پدیده هم خطی وضعیت نامطلوبی است که در آن همبستگی بین متغیرهای مستقل زیاد است. در جدول ۳ هم خطی بین متغیرها بررسی‌شده است.

جدول ۳. نتایج مقادیر آماره‌های هم خطی و دوربین واتسون متغیرهای پژوهش

مدل رگرسیونی	آماره همخطی		آماره دوربین واتسون
	VIF	Tolerance	Durbin-Watsun
سبکهای عشق ورزی	۱/۰۲۴	۰/۹۷۷	
الگوی سازنده متقابل	۱/۰۲۶	۰/۹۷۴	۲/۲۴۷
الگوی توقع/ کناره	۱/۰۵۹	۰/۹۴۴	
الگوی اجتنابی متقابل	۱/۰۶۴	۰/۹۴۰	

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

در جدول ۳ چون روا داری ((Tolerance نزدیک یک و عامل تورم واریانس (VIF)کمتر از دو است لذا پدیده هم خطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. یک مفروضه دیگر اعتبار تحلیل رگرسیونی آن است که نمره یا امتیاز هر فرد باید مستقل از دیگر افراد باشد. این ویژگی با آماره دوربین-واتسون سنجیده می‌شود. در این مدل رگرسیونی مقدار آماره دوربین واتسون ۲/۲۴۷ است. چون مقدار مطلوب این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ است، لذا این فرض نیز در پژوهش حاضر تائید می‌گردد. جهت بررسی همبستگی میان متغیرهای پژوهش از ماتریس همبستگی پیرسون استفاده‌شده است که در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. نتایج ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعهد زناشویی		سبک‌های عشق‌ورزی		سازنده متقابل		توقع/ کناره‌گیری		اجتناب متقابل	
	R	*p*	*R*	*p*	*R*	*p*	*R*	*p*	*R*	*p*
تعهد زناشویی	۱									
سبک‌های عشق‌ورزی	۰/۴۳ **	۰/۰۰۰	۱							
الگوی سازنده متقابل	۰/۱۹**	۰/۰۰۰	۰/۱۲**	۰/۰۰۸	۱					
الگوی توقع/ کناره-گیری	۰/۰۵	۰/۱۵۲	۰/۰۸*	۰/۰۴۲	۰/۰۳	۰/۲۴۲	۱			
الگوی اجتناب متقابل	۰/۰۴	۰/۱۷۰	۰/۰۵	۰/۱۴۲	۰/۱*	۰/۰۱۷	۰/۲۲**	۰/۰۰۰	۱	

* p <0/05

** p <0/01

همان‌طور که در جدول ۴ آمده است، همبستگی مثبت و معنادار بین سبک‌های عشق‌ورزی و تعهد زناشویی وجود دارد (p <0/01)، بنابراین فرضیه اول پژوهش تائید شد. بین تعهد زناشویی و تنها خرده مقیاس الگوی تعاملی سازنده متقابل همبستگی مثبت معناداری وجود داشت (p <0/01)، رابطه بین تعهد زناشویی و الگوهای توقع/کناره‌گیری و اجتناب متقابل مثبت اما معنادار نبود، لذا فرضیه دوم مبنی بر اینکه بین تعهد زناشویی و تنها الگوهای سازنده متقابل رابطه مثبت و معناداری وجود دارد تائید گردید. بین سبک‌های عشق‌ورزی با الگوی سازنده متقابل رابطه مثبت و معنادار (p <0/01)، با الگوی توقع/ کناره‌گیری نیز رابطه مثبت و معنادار (p <0/05) به دست آمد ولی این رابطه با الگوی اجتناب

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۵، شماره دوم (پیاپی ۱۰). پاییزو زمستان ۱۳۹۸

متقابل معنادار نبود، بنابراین فرضیه سوم پژوهش نیز با معناداری ارتباط بین سبک‌های عشق‌ورزی با الگوی سازنده متقابل و کناره/ گیری توقع تائید شده است.

در این پژوهش جهت بررسی فرضیه اصلی پژوهش از آزمون بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده‌شده است که در مرحله اول متغیر سبک‌های عشق‌ورزی به‌عنوان متغیر پیش‌بین و متغیر تعهد زناشویی به‌عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد و در مرحله دوم رگرسیون متغیر الگوهای تعاملی نیز به‌عنوان پیش‌بین وارد رگرسیون شدند.

جدول ۵. نتایج واسطه‌گری الگوهای ارتباطی زوجین

مرحله	متغیر	تعهد زناشویی			
		ضریب β	p	آماره آزمون t	ضریب تعیین R^2
۱	**سبک‌های عشق‌ورزی**	۰/۴۳	۰/۰۰۰	۹/۳۲	۰/۱۸۷
	سبک‌های عشق‌ورزی	۰/۴۱	۰/۰۰۰	۸/۸۸	
۲	الگوی سازنده تقابلی	۰/۱۴	۰/۰۰۲	۳/۱۳	۰/۲۰۸
	الگوی توقع/کناره‌گیری	۰/۰۰۹	۰/۸۴۹	۰/۱۹۰	
	الگوی اجتنابی متقابل	۰/۰۰۸	۰/۸۶۱	۰/۱۷۶	

طبق جدول ۵ ملاحظه می‌شود که متغیر سبک‌های عشق‌ورزی به‌صورت مثبت و معنادار تعهد زناشویی را پیش‌بینی می‌کند، ضریب بتا برابر ۰/۴۳، در مرحله دوم با ورود متغیر واسطه الگوی تعاملی مشاهده شد که مقدار بتا کاهش یافت، بتا برابر ۰/۴۱ حاکی از آن است که الگوهای تعاملی نقش واسطه-گری ایفا کردند. در گام بعد جهت روشن شدن این فرضیه که سبک‌های عشق‌ورزی تأثیر معناداری بر الگوهای تعاملی دارد و این‌که کدام‌یک از الگوهای تعاملی نقش واسطه‌ای دارند از رگرسیون چندگانه استفاده شد.

جدول ۶. نتایج پیش‌بینی الگوهای تعاملی بر اساس سبک‌های عشق‌ورزی

	الگوی سازنده متقابل				الگوی توقع/کناره‌گیری				الگوی اجتنابی متقابل			
	β	p	R^2	t	β	p	R^2	t	β	p	R^2	t
سبک‌های عشق‌ورزی	۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۰۱۵	۴۲/	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۰۸	۱/۷۳	۰/۰۵	۰/۲۸	۰/۰۰۳	۱/۰۷

همان‌طور که در جدول ۶ آمده است، سبک‌های عشق‌ورزی فقط به‌صورت مثبت و معنادار الگوی سازنده متقابل را پیش‌بینی کرد (β=۰/۱۲ و p=۰/۰۱)، بنابراین تنها الگوی سازنده متقابل نقش

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

Family Pathology, Counseling & Enrichment, 2020. Vol. 5, N. 2 (10)

واسطه‌ای ایفا می‌کند. با توجه نتایج به‌دست‌آمده از جداول ۵ و ۶ و تائید نقش واسطه‌ای الگوی سازنده متقابل در رابطه بین سبک‌های عشق‌ورزی و تعهد زناشویی در ادامه جهت تعیین حجم اثر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای برون‌زاد و واسطه لازم بود تا تأثیر سبک‌های عشق‌ورزی بر الگوی تعاملی و تعهد زناشویی بررسی می‌شد. نتایج مربوط به تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل در جدول ۷ گزارش‌شده است.

جدول ۷: نتایج تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل بر تعهد زناشویی

متغیر	انواع تأثیر		
	مستقیم	غیرمستقیم	کل (مستقیم + غیرمستقیم)
سبک‌های عشق‌ورزی	۰/۴۱	۰/۰۱۶	۰/۴۲۶
الگوی سازنده تقابلی	۰/۱۴	-	۰/۱۴

نتایج حاکی از آن است که سبک‌های عشق‌ورزی به‌صورت مستقیم به میزان ۰/۴۱ متغیر تعهد زناشویی را پیش‌بینی کرده است. این اثر بعد از وارد شدن متغیر واسطه‌ای الگوی سازنده متقابل به مقدار ۰/۰۱۶ گزارش‌شده است که نشانگر اثر غیرمستقیم سبک‌های عشق‌ورزی به‌واسطه الگوی سازنده بر تعهد زناشویی زوجین است. لازم به ذکر است که اثر غیرمستقیم از حاصل‌ضرب اثر سبک عشق‌ورزی بر الگوی سازنده (۰/۱۲) در اثر الگوی سازنده بر تعهد (۰/۱۴) به دست می‌آید. جهت روشن‌تر شدن یافته‌های پژوهش، روابط میان متغیرها در شکل ۱ ارائه‌شده است.

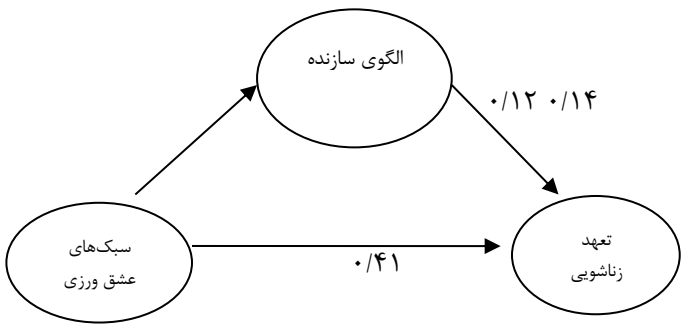

شکل ۱: اثر سبک‌های عشق‌ورزی و الگوی سازنده بر تعهد زناشویی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای الگوهای تعاملی در رابطه بین سبک‌های عشق‌ورزی و تعهد زناشویی زوجین بود. یافته اول پژوهش بیانگر آن بود که سبک‌های عشق‌ورزی با تعهد در روابط

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

زناشویی ارتباط مثبت و معناداری دارد، یعنی با افزایش میزان عشق ورزیدن و نحوه ابراز صحیح آن در روابط توسط زوجین نمرات پایبندی و تعهد به روابط زناشویی افزایش داشته است. این یافته همسو با پژوهش‌های رافائل‌هک و دنیزفالک (۲۰۱۴)، سلوشی و بریل (۲۰۱۶)، مدرسی و زاهدیان (۱۳۹۲)، تقی یار و پهلوان‌زاده (۱۳۹۳)، نقی زاده و قادری (۱۳۹۴)، نامنی، عباسی و زارعی (۱۳۹۵) و تقی یار، پهلوان-زاده و رفاهی (۱۳۹۷) است. در این پژوهش‌ها سطوح بالای تعهد در روابط عاشقانه بارز بوده، یعنی در ازدواج‌های با تعهد بالا صمیمیت و عشق بیشتری ابراز می‌شود. درواقع رابطه‌ای که هر سه سبک عشق‌ورزی در آن باشد یک رابطه آرمانی است در این حالت فرد همسر خود را به‌عنوان یک انسان دوست دارد، به او احترام می‌گذارد و به او متعهد است. در تبیین این یافته پژوهش می‌توان چنین بیان نمود که تعهد بالا در روابط با ابراز عشق بیشتر همراه است. عشق نیروی برانگیزاننده‌ای است که هنوز یارای مقاومت در برابر عوامل فروپاشی بنیان خانواده ازجمله عدم تعهد به رابطه زناشویی را دارد، چراکه ابراز عشق و محبت بیشتر باعث کاهش تنش و خودمحوری زوجین می‌گردد.

یافته دوم پژوهش بیانگر این بود که تنها بین الگوی تعاملی سازنده متقابل از میان الگوهای تعاملی و تعهد در روابط زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود داشت که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم با پژوهش‌های سیبلی (۲۰۱۰)، نیمتز (۲۰۱۱)، لانگ و یانگ (۲۰۱۳)، هالی، کلودیا و ایرنی (۲۰۱۸)، عباسی و افشارنیا (۱۳۹۴) و ملک آسا و همکاران (۱۳۹۶) مرتبط هست. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت که در ارتباط تعاملات سازنده زوجین در رابطه با مشکل ارتباطی‌شان بحث و گفتگو می‌کنند و به دنبال سازش و توافق دوطرفه‌اند. در ارتباط توقع/کناره‌گیری یکی از زوجین مدام در حال گله و شکایت کردن است، توقع و انتظار بیش‌ازحد دارد درحالی‌که طرف مقابل سکوت می‌کند و وارد بحث نمی‌شود. در ارتباط اجتناب متقابل، انتقاد و غر زدن از سوی یکی از زوجین و حالت تدافعی گرفتن از سوی زوج دیگر مشاهده می‌شود (فوتریس۱ و همکاران،۲۰۱۰)؛ بنابراین در تعامل سازنده متقابل است که زوجین راه‌حل‌های ممکن را برای حل تعارض به کار می‌برند، منطقی عمل کرده و مسئله گشایی می‌کنند. هم‌چنین در این الگو زوجین احساساتشان را نسبت به هم ابراز و احساس می‌کنند که همدیگر را درک می‌کنند. لذا الگوی تعاملی سازنده دارای نقش کلیدی در عملکرد خانواده موفق است. کوراس۲ (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان داد که یک ارتباط یا تعامل مثبت و سازنده بین زن و شوهر می‌تواند ضامن

1 - Futrice
2 - Kouros

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

رضایت زناشویی، تعهد و پایبندی طرفین به نظام خانواده و درنهایت باعث تحکیم بنیان‌های خانواده شود.

یافته سوم پژوهش بیانگر این بود که ارتباط بین سبک‌های عشق‌ورزی و الگوهای تعاملی سازنده متقابل و کناره‌گیری/ توقع مثبت و معنادار، اما با الگوی اجتنابی بدون معنا بود که همسو با نتایج عسکرآبادی و همکاران (۱۳۹۳) و کریمی و همکاران (۱۳۹۶) بود. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت، ارتباط مایه حیات هر رابطه است. هنگامی‌که ارتباطی سازنده، بی پرده، واضح و با احساس روی می‌دهد، رابطه زناشویی زوجین تقویت می‌گردد؛ اما زمانی که به‌صورت تدافعی، پرخاشگرانه و نا مؤثر برقرار گردد رابطه صمیمی و عاشقانه را تضعیف می‌کند. در خانواده‌ای که الگوهای ارتباطی مناسب وجود نداشته باشد، عشق میان زوجین به مقدار زیادی کاهش می‌یابد. احمدی (۱۳۸۷) در پژوهشی بر روی زوجها مشاهده کرد که آموزش مهارت‌های ارتباطی سازنده باعث افزایش عشق و صمیمیت در بین همسران می‌شود. عشق به‌عنوان جنبه مهمی از زندگی نقش بسزایی در برقراری ارتباطات صحیح و سازنده در روابط زوجین دارد، زوجینی که در زندگی زناشویی خود به یکدیگر ابراز عشق و علاقه دارند، موجب برقراری ارتباط و تعامل درست و سازنده با یکدیگر می‌شوند که نتیجه آن احساس نزدیکی و پویایی خانواده است. فیتس پاتریک و بادزنیسکی[1] (۱۹۹۴) بیان می‌دارند که زوجهایی که الگوی اجتنابی دارند، در رابطه زناشویی وابستگی زیادی به یکدیگر نداشته و دید آن‌ها در مورد زندگی زناشویی و خانوادگی دوسوگرا بوده و افشاگری بسیار پایینی را در ارتباط زناشویی گزارش می‌دهند لذا این امر حاکی از این است در این نوع الگوی ارتباطی صمیمیت و ابراز عشقی وجود ندارد چراکه در روابط عاشقانه اصل دوست داشتن و دوست داشته شدن حاکم است.

یافته چهارم پژوهش نشان داد که سبک‌های عشق‌ورزی با واسطه‌گری الگوی تعاملی سازنده متقابل تعهد بالا در روابط زناشویی را پیش‌بینی می‌کند؛ که به نحوی همسو با نتیجه‌گیری عسکرآبادی (۱۳۹۸) است. در تبیین این یافته به‌عنوان نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت ابعاد عشق زمانی سبب رضایت و تعهد در روابط می‌شود که استفاده از الگوی تعاملی سازنده متقابل در بین زوجین، بیشتر باشد. سبک‌های عشق‌ورزی بر شناخت‌ها و رفتارهایی که انعکاس‌دهنده رضایت، تعهد و سرمایه‌گذاری در روابط است، تأثیر به سزایی دارند و می‌توانند در پیش‌بینی وقوع خیانت زناشویی نقش داشته باشند (فریکر[2]،۲۰۰۶؛ به نقل از یوسفی و همکاران،۱۳۹۰). از طرفی زوجینی که در نحوه‌ی عشق‌ورزی از الگوی سازنده متقابل

1 - Fitzpatrick & Badzenisky
2 -Fricker

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

دو فصلنامه علمی آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۵، شماره دوم (پیاپی ۱۰)، پاییزو زمستان ۱۳۹۸

بیشتری استفاده می‌کنند از زندگی پایدارتری برخوردارند چراکه استفاده‌ی بیشتر زوجین از الگوی تعاملی سازنده متقابل باعث افزایش درک و حمایت همسران از یکدیگر و کاهش اختلافات زناشویی می گردد، لذا نبود اختلاف در روابط زناشویی، پایداری بنیان خانواده و متعهد بودن زوجین به رابطه‌شان را به دنبال دارد. مک کارتی (۲۰۰۶) نیز معتقد است عشق به رابطه جهت مـی‌دهد و به سازندگی روابط کمک می‌کند و عشق از چنان نیرویی برخوردار است که می‌تواند الگوهای تعاملی را ساماندهی کنـد. او همچنـین بـر ایـن بـاورست که حفظ عشق نیازمند رشد الگوهای تعاملی (خوب گوش کردن، بیان کردن درست نیاز، تدارک دیدن زمینه‌هـای حمـایتی)، تشـخیص تضـادها و اختلاف‌ها (یافتن راه‌حل برای رسیدن به رضایت پایدار)، ایجاد صمیمیت عاطفی و جنسی و لذت بردن از یکدیگر (کار، فعالیت، تفریح و منزل) است. زوجین عاشق، به‌جای شکایت، خواسته‌های خود را در قالب گفتار صمیمی مطرح می‌کنند، همـدیگر را آرام می‌کنند، خـود و دیگری را تحسین می‌کنند و با گفتار، کردار، احترام گذاشتن، حمایت کردن و ارضای نیازها، به تعامل سازنده با یکدیگر می‌پردازند. در این صـورت گـامی مؤثر در افزایش ارتباط‌های مؤثر و الگوهای تعاملی مفید و سازنده برداشته‌اند که نتیجه آن کاهش تعارضات زناشویی و تعهد بالا در روابط زناشویی‌شان است؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که الگوی تعاملی سازنده با ایفای نقش واسطه‌ای موجب تقویت رابطه بین سبک‌های عشق‌ورزی و تعهد زناشویی می‌گردد. دستاوردهای این پژوهش در سطح نظری می‌تواند به شناخت بهتر عوامل مؤثر بر تعهد در روابط زناشویی کمک کند و با تبیین تأثیر سبک‌های عشق‌ورزی و الگوی تعاملی مناسب و سازنده بر پایداری خانواده و متعهد بودن به روابط زناشویی به زوجینی که دارای مشکل ارتباطی هستند کمک کند. از طرفی هم می‌تواند راهگشای پژوهش‌های جدیدتر جهت بهبود روابط میان زوجین و جلوگیری از فروپاشی بنیان خانواده باشد. ازنظر کاربردی نیز می‌تواند مورداستفاده روانشناسان و مشاوران خانواده و آسیب‌های حوزه آن قرار گیرد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها. پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی ازجمله: محدود بودن جامعه به زوجین شهر کرمانشاه، عدم کنترل متغیرهایی ازجمله وضعیت اقتصادی، فرهنگی و مذهبی زوجین که تعمیم نتایج را دشوار می‌کند مواجه بود. پیشنهاد می‌شود جهت تائید مجدد روابط متغیرها، این پژوهش در جامعه و نمونه‌های دیگر نیز تکرار شود تا پشتوانه‌ی تجربی بیشتری برای حمایت از پژوهش‌های حوزه خانواده فراهم گردد. انجام پژوهش علمی و معتبر در راستای بهبود کیفیت زندگی همسران و خانواده‌ها و متعهد بود زوجین به روابط زناشویی مستلزم آگاهی اقشار جامعه از ضرورت انجام چنین پژوهش‌هایی است که نیازمند همکاری صادقانه آن‌ها با عاملان پژوهش است، لذا اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی توسط

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

مسئولان و مدیران جامعه می‌تواند مفید واقع شود. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت برقراری ارتباط سالم و سازنده میان زوجین، کارگاه‌هایی قبل از ازدواج به‌منظور معرفی و شناخت مؤلفه‌های همچون سبک‌های عشق‌ورزی و الگوهای ارتباطی که موجب هرچه بیشتر متعهد بودن زوجین به روابط زناشویی می‌گردند، تشکیل شود.

سپاسگزاری و قدردانی. بدین‌وسیله از زوجین محترمی که به‌عنوان آزمودنی در این پژوهش شرکت کردند و با همکاری خالصانه آن‌ها اجرای پژوهش امکان‌پذیر گردید، تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

صفی پوریان، شهین؛ قدمی، سید امیر؛ خاکپور، مسعود؛ سودانی، منصور و مهر آفرید، معصومه (۱۳۹۵). تأثیر مشاوره گروهی بر کاهش دل‌زدگی و پریشانی زناشویی، نشریه آموزش پرستاری، ۵ (۱)، ۱-۱۱.

صادقی، مسعود؛ احمدی، سید احمد؛ بهرامی، فاطمه؛ اعتمادی، عذرا؛ و پور سید، سید رضا (۱۳۹۲). بررسی تأثیر آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی زوجین، مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۳(۲)،۷۱-۸۴.

عشقی، روناک (۱۳۹۵). عهدشکنی همسران .تهران :نشر آفتاب.

کریمیان، نادر؛ کریمی، یوسف و بهمنی، بهمن (۱۳۹۰). بررسی رابطه سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱(۲)، ۲۴۳-۲۵۶.

کلهر، محمد خلیل (۱۳۹۰) .بررسی عوامل مؤثر بر بروز و گسترش پدیده خشونت خانگی علیه زنان در شهر کرمانشاه .پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی .دانشکده علوم اجتماعی.

محزونی، علی (۱۳۹۵). پدیده نوظهور در خانواده امروز .دفتر آمار و مهاجرت سازمان ثبت‌احوال.

معیدفر، سعید (۱۳۹۴). زنان و فرهنگ شهری .تهران :مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

منصوری، احمد (۱۳۹۲). دیدگاه‌های نظری خیانت زناشویی و بهبود روابط با تأکید بر راهبردهای عملی مشاوره‌ای .تهران: آوای نور.

محمودی، غلامرضا؛ گلشنی، فاطمه و نوروزیان، مهتاب (۱۳۹۲). مقایسه سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های عشق‌ورزی در والدین دارای کودک عقب‌مانده ذهنی و والدین دارای کودک عادی، کودکان استثنایی، تحقیقات روان‌شناختی ۶(۲۱)،۶۶-۷۸.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

یوسفی، ناصر؛ بشلیده، کیومرث؛ عیسی نژاد، امید؛ اعتمادی، عذرا و شیر بیگی، ناصر (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و کیفیت زناشویی در میان افراد متأهل، دو فصلنامه مشاوره کاربردی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱(۳۶)،۱-۲۱.

Adams JM, Jones WH. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. J Pers Soc Psychol. 72(5):1177–96.

Ahmadi, K. H. Nabipoor Ashrafi, M. kimiaee, A. and Afzali, M.H. (2010). Effect of family problem-solving on marital satisfaction. Journal of Applied Sciences, 10(8):682-687.

Bulanda, J. R. Brown J. S. and Yamashita, T. (2016). Marital quality, marital dissolution, and mortality risk during the later life course. Social Science andMedicine, 165: 119-127.

Christensen, A. & Sullaway, M. (1984).Communication Patterns Questionnaire. Unpublished Questionnaire, University of California, Los Angeles.

Greene KH. Awareness of parental infidelity on college students' reported commitment to romantic relationships. The Florida State University (Doctoral dissertation, Doctoral Dissertation.http://etd.lib.fsu.edu/theses/available/etd-11092006172036/unrestricted/khg_dissertation. Pdf.2017.

Gottman, J. M. & Notarius, C. I. (2000). Decade review: Observing marital interaction. Journal of Marriage and Family, 62(4), 927-947.

González, R. & Hernández, J. A. (2009). Play context, commitment, and dating violence. A structural equation model. Journal of Interpersonal Violence, 34(9), 1518-1535.

Givertz M, Segrin C, Woszidlo A. Direct and indirect effects of commitment on interdependence and satisfaction in married couples. J of FamilyPsychol. 2016; 30(2):214.

Ito, Y. & Sagara, J. (2016). Marital commitment between couples in the child-rearing period and the middle-aged and elderly period. International Journal of Psychology, 51, 618.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

Holley, R. Claudia, M. & Irene, C. (2018). Depression, emotion regulation & the demand/withdrawal pattern during intimate relationship conflict. Journal of Social and Personal Relationships, 35, 408-430

Hasson-Ohayon, I. Ben-Pazi, A. Silberg, T. Pijnenborg, G. H. & Goldzweig, G. (2019). The mediating role of parental satisfaction between marital satisfaction and perceived family burden among parents of children with psychiatric disorders. Psychiatry Research, 271, 105-110.

Kouros CD, Papp LM, Goeke-Morey MC, Cummings EM. Spillover between marital quality and parent-child relationship quality: Parental depressive symptoms as moderators. Journal of Family Psychology. 2014; 28(3):315-25. [DOI:10.1037/a0036804] [PMID] [PMCID].

Mohammadi B, Zahrakar K, Davarniya R, Shakarami M. (2014). Investigation into the role of religiosity and its dimensions in predicting marital commitment of personnel of the statewelfare organization of North Khorasan. J Religion & Health. 2(1):15- 23. [Persian].

Rose, A. Anderson, S. Miller, R. Marks, L. Hatch, T. & Card, N. (2019). Longitudinal Test of Forgiveness and Perceived Forgiveness as Mediators between Religiosity and Marital Satisfaction in Long-Term Marital Relationships. The American Journal of Family Therapy, 1-19.

Sternberg, R. J. (1997). Construct validity of a triangular love scale. European J Soc Psychol. 27: 313-335.

Yalcin, M.B. & Karahan, F. (2009). The effect of a couple of communication programs on passive conflict tendency among married couples. Department of Educational Sciences, 55139 Kuruplit/ Samsun, Turkey, 845 - 856.

Reference in Persian

Safi Pourian, Shahin; Ghadami, Seyed Amir; Khakpour, Massoud; Sudani, Mansour and Mehrafarid, Masoumeh (1395). The effect of group counseling on reducing boredom and marital distress, Journal of Nursing Education, 5 (1), 11-1. (Persian)

Sadeghi, Massoud; Ahmadi, Seyed Ahmad; Bahrami, Fatemeh; Etemadi, Ozra; and Poursaid, Seyed Reza (1392). Investigating the Effect of Mutual

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]

Behavior Analysis Training on Couples' Love Styles, Journal of Cognitive and Behavioral Sciences Research, 3 (2), 71-84. (Persian)

Eshghi, Ronak (1395). Breaking the covenant of spouses. Tehran: Nashr-e Aftab.

Karimian, Nader; Karimi, Yousef, and Bahmani, Bahman (1390). Investigating the relationship between mental health and guilt with the marital commitment of married people, Family Counseling and Psychotherapy Quarterly, 1 (2), 243-256. (Persian)

Kalhor, Mohammad Khalil (1390). Study of effective factors on the occurrence and spread of domestic violence against women in Kermanshah. Master Thesis Allameh Tabatabai University. Faculty of Social Sciences. (Persian)

Mehzuni, Ali (1395). The emerging phenomenon in the family today. Statistics and Immigration Office of the Civil Registration Organization. (Persian)

Moeidfar, Saeed (1394). Women and urban culture. Tehran: Tehran City Studies and Planning Center. (Persian)

Mansoori, Ahmad (1392) Theoretical perspectives on marital infidelity and improving relationships with emphasis on practical counseling strategies. Tehran: Avaye Noor. (Persian)

Mahmoudi, Gholamreza; Golshani, Fatemeh and Norouzian, Mahtab (1392). Comparison of attachment styles and lovemaking styles in parents with mentally retarded children and parents with normal children, exceptional children, Psychological Research 6 (21), 66-78. (Persian)

Yousefi, Nasser; Bashlideh, Kiomers; Jesus Nejad, Omid; Etemadi, Azra and Shirbeigi, Nasser (1390). The Relationship between Love Styles and Marital Quality among Married People, Journal of Applied Counseling, Shahid Chamran University of Ahvaz, 1 (36), 1-21. (Persian)

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1398.5.2.4.3]
FPCEJ